

مبنای مقاومت و قیام امام حسین (ع)

یکی از واقعیات ماجرای حسین ابن علی (ع) این بود که حضرت (ع) همواره امر به معروف را در سخنان و اعمال خود بر نهی از منکر مقدم می داشت؛ در آغاز حرکت معروف، زیارت پیامبر اکرم (ص) را به جای می آورد

(تجلی تقدم امر به معروف بر نهی از منکر، در اقدام حسین ع)

یکی از واقعیات ماجرای حسین ابن علی (ع) این بود که حضرت (ع) همواره امر به معروف را در سخنان و اعمال خود بر نهی از منکر مقدم می داشت؛ در آغاز حرکت معروف، زیارت پیامبر اکرم (ص) را به جای می آورد (۱) و (سپس طبق عمل معروف، وصیت می نماید. ۲)

حضرت (ع) در منازل مختلف، اقسام معروف ها را در عمل و سخن مقدم می دارد؛ مثلاً در منزل «شراف» با لشکر نماز می خواند (۳) و بعد از هر یک از دو نماز ضمن سخنرانی برای لشکر، آنان را به معروف توصیه می کند. (۴) در منزل «بنی مقاتل» حضرت (ع) به چادر عبیدالله بن حر جعفری که دزد و جنایتکار معروفی بود، مراجعه می نماید و به وی می فرماید: «آن علیک ذنوباً کثیرهً فهل لك من توبه تمحوها بها ذنوبک؟» امام (ع) حتی با (همانند طبیب، او را به عمل معروف و توبه و یاری فرزند رسول الله (ص) دعوت می نماید. (۵) امام (ع) سخت ترین دشمن خود عمر سعد نیز از در خیرخواهی وارد می شود و او را به معروف و خیر دعوت می کند؛ (شاید بپذیرد و نجات پیدا کند. ۶)

در مواجهه با دشمنان و لشکریان یزید، در سخنان خود با جمع یا افراد قبل از هر مذمت یا نفرینی آنان را به معروف دعوت می کند؛ حتی در آخرین

لحظات با سخنان خود چه به باقیماندگان آل الله و چه سرمستان سپاه باطل در معرکه قتال، در روز عاشورا (دعوت به خیر و امر به معروف می کند. ۷)

راز این تقدم، در امر الهی، تقدم رحمت بر غضب و موضوع فطری تقدم گرایش بر گزیر و اصالت خداوند بر بدلی بودن شیطان نهفته است

تقدم، لازمه بستر باطنی امر به معروف و نهی از منکر .

مبنای تشریح و بستر باطنی امر به معروف و نهی از منکر، عشق و خیرخواهی نسبت به طرف مقابل و دیگران است؛ یعنی امر به معروف و ناهی از منکر و تمام کسانی که در اندیشه ی پیشگیری از گناه جرم می باشند، در باطن خود، به تارک معروف و مرتکب منکر، عشق و علاقه دارند و خیرخواه او هستند و از جهت اینکه او حامل گوهر انسانی است، او را با خود یکی و متحد می دانند

بدون تردید خیرخواهی و عشق، ملهم تقدم امر به معروف بر نهی از منکر به انسان پاک ضمیر است البته تنفر قلبی نسبت به منکر و چگونگی جمع این تنفر با عشق به مرتکب منکر، مقوله دیگری است که فقط

این موضوع تجلی سبقت رحمت خدا بر غضب پروردگار و . در بینش و نگرش اسلامی و حسینی پاسخ می یابد عینیت غضب حق تعالی با رحمت اوست که بحثی عمیق و دقیق دارد و در این مجال نمی گنجد. سخن انبیای الهی در قرآن گویای همین امر می باشد: «یا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (۸) در این آیه ی شریفه، پیامبر الهی انگیزه خود در نهی از منکر را مخالفت و دشمنی با قوم نمی داند، بلکه ابلاغ رسالت الهی و خیرخواهی برای آنان معرفی می کند: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ (نَاصِحٌ أَمِينٌ» (۹)

تقدم، لازمه تقدم اصل بر فرع

رسیدن انسان و ثمر دادن او، جز به یافتن خود الهی و ثمین و فربه ساختن روح پاک و نفخه الهی راه دیگری ندارد. وقتی روح پاک الهی در جان انسان ها فربه و ثمین شد و آن نهال الهی که با نفخه ی دم، غرس گردیده، در اعماق وجود انسان ریشه دواند، کم کم شاخه های آن درخت تنومند و برگ های آن با طراوت می گردد و سرانجام به ثمر می نشیند. ثمره ی این شجره طیبه همان معروف است

همان گونه که تمام موجودات در مسیر رسیدن و ثمر دادن ممکن است دچار آفت و سم گردند و به ثمر نشینند و یا ثمره ی آنها به فساد کشیده شود، انسان نیز در مسیر رسیدن و ثمر دادن نیز دچار آفت می گردد و یا اصلاً محصول نمی دهد و یا ثمره او فاسد می گردد. منکرات همان آفات و سموم و ثمره فاسد وجود انسان است. فطرت انسانی و خرد بیدار و عقل حسابگر اقتضا می کند اگر در انسانی آفتی مشاهده شد، قبل از شیوع آن آفت و رسیدن آن آفت به وجود دیگران و نهایت خود انسان، آن را دفع نماید و این دفع در دنیای انسانی همان نهی از منکر است؛ این نهی از منکر فرع حفظ اصل وجود انسان و انسانیت او و متأخر است

تقدم، لازمه اصلاحات مستمر

اصلاح در عالم انسانی چه در افراد و چه در اجتماع، امری پایان ناپذیر است؛ چون جهت گیری اصلاح نیل به معروفی بی نهایت است که همه چیز در پرتو او شناخته می شود و موجود محدود با اصلاح خود هرگز به نامحدود نمی رسد؛ لذا فقط باید راه بی نهایت اصلاح را به طور مستمر طی نماید و به معروف بی نهایت و حق متعال تقرب جوید. در تمام مراحل اصلاح لبس بعد از لبس معروف، قهری و ضروری است؛ اما وجود منکر و دفع آن ضرورت وجودی ندارد؛ به بیان دیگر در تمام مراحل سیرالی الله، اصلاح و اخذ معروف و توصیه به آن وجود دارد؛ در حالی که وجود منکر و نهی آن ضروری نیست. این ضرورت اقتضای تقدم امر به معروف بر نهی از منکر را به همراه دارد

اگر امت اسلامی به عنوان امت شهید و الگوی دیگری امم و ملت ها معرفی شده است، به خاطر برافراشتن بیرق اصلاحات مستمر و امر به معروف و نهی از منکر است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ

يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱۰) و «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (۱۱)

تقدم، لازمه تفاوت های امر به معروف و نهی از منکر

در تعالیم اسلامی، امر به معروف بر نهی از منکر تقدم دارد و این تقدم، یک امر قراردادی نیست، بلکه ریشه در تکوین و فطرت دارد.

تفاوت این دو به خوبی تقدم فطری مزبور را برای ما روشن می نماید. در اینجا به برخی از تفاوت های امر به معروف و نهی از منکر اشاره می گردد.

امر به معروف با مسرت قلبی، اما نهی از منکر با انزجار باطنی شروع می شود. طبع انسان در دو طرف امر و مأمور و ناهی و منهی عنه با سرور قلبی انس بیشتری دارد تا انزجار.

امر به معروف همراه با اظهار عشق و علاقه است؛ بر خلاف نهی از منکر که نوعی عکس العمل است.

امر به معروف، تحریک فطرت است؛ اما نهی از منکر بازداشتن شهوت است و انسان با حرکت نمودن بیشتر موافق است تا توقف.

امر به معروف نوعی تعامل با جریان عادی زندگی دیگران است؛ اما نهی از منکر، تلاقی و برخورد با جریان خاص و ویژه با زندگی دیگران است. باید توجه داشت معروف و نیکی ها چون ریشه در فطرت و جبلت انسانی دارد، جزئی از زندگی تمام انسان ها است؛ اما منکر در واقع پس زدن آفت و سمی است که وارد روح انسان شده است و یک جریان ویژه و خلاف جریان عادی زندگی است.

امر به معروف حرکت دادن انسان و به کار واداشتن است؛ اما نهی از منکر متوقف کردن انسان است؛ انسانی که قسمتی از وقت و سرمایه خود را صرف عملی کرده است، از آن عمل متوقف می شود.

در امر به معروف، امر به معروف همراه، همگام، همدم و هم هدف با طرف مقابل می شود؛ اما نهی از منکر نه تنها همراهی، همگامی و همقدمی و هم هدفی نیست، بلکه برعکس است.

امر به معروف به انرژی و شمار کمتری نیاز دارد؛ اما نهی از منکر، انرژی

احتمال بروز کشمکش : بیشتری می طلبد و به دنبال آن احتمال پدید آمدن چالش های متعدد وجود دارد اصطکاک، موضع گیری متقابل، لجاجت، اصرار بر حفظ وضع موجود، ادامه مسیر قبلی، حتی درگیری و مانند آنها وجود دارد. امر به معروف ایجاد وضع جدید است، اما نهی از منکر جلوگیری از وضع موجود است.

تمام مراحل امر به معروف می توانند با مشارکت مردم و به دست هر انسان آگاهی عملی شود، اما در نهی از منکر، در مراحل خاصی، خود مردم نمی توانند اقدام کنند، بلکه نیاز به دخالت و حضور قوه قضائیه و حاکم است. امر به معروف، نگاه بر استعداد مثبت فرد است؛ اما نهی از منکر، نگاه بر جنبه بالفعل می باشد.

امر به معروف در جمع نیز مؤثر واقع می شود؛ اما نهی از منکر هر چند در جمع، روی دیگران تأثیر مثبت می گذارد، اما احتمال تأثیر عکس در فرد مرتکب منکر وجود دارد.

امر به معروف به صورت مستقیم کارآمد است؛ اما نهی از منکر در بسیاری از موارد به طور مستقیم غیرمؤثر و همراه با اثر منفی است

امر به معروف در حقیقت خود اظهاری کرامت و بزرگی طرف مقابل است؛ در حالی که نهی از منکر همراه با نوعی اظهار جنبه های منفی و نوعی تحقیر و شکستن طرف مقابل است

در امر به معروف و نهی از منکر، به راحتی می توان دیگران را نیز مشارکت داد و همراه خود ساخت؛ اما در نهی از منکر این احتمال کمتر است و در برخی موارد حس ترحم و دلسوزی دیگران را ممکن است به طرف مقابل برانگیزاند

تقدم، لازمه امکان نهی از منکر در قالب امر به معروف

در بسیاری از موارد بر اساس دید تربیتی و اقدامی مبتنی بر روانشناسی و جامعه شناسی و توجه به معنای واقعی منکرات، می توان منکرات را در قالب امر به معروف دفع نمود. قرآن در این زمینه الگوی جالبی به دست می دهد.

آن زمان که قوم لوط به خانه حضرت لوط هجوم آوردند تا با مهمان های آن حضرت عمل منکر انجام دهند، حضرت لوط به جای نهی از منکر مبادرت به امر به معروف می نماید و آنان را دعوت به امر پسندیده ازدواج با دختران خویش می کند: «وَ جَاءَهُ قَوْمُهُ يَهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَ مِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ (أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ)» (۱۲)

آنچه گذشت نشان می دهد تقدم امر به معروف امام حسین (ع) بر نهی از منکر آن حضرت (ع) پر از اسرار و مبتنی بر دنیایی از شعور و عرفان بود که باید مورد توجه خاص عاشورا پژوهان و اسلام شناسان قرار گیرد

امید و برنامه ریزی برای حکومت، در عین علم به شهادت

در جریان کربلا چند امر مسلم است : نخست، علم امام حسین (ع) به شهادت و قربانی شدن در کربلا و اسارت آل الله. دوم، امید، آمادگی و برنامه ریزی برای رسیدن به کوفه و عینیت یافتن امامت. پیوند آن علم و این امید، از شگفتی های ماجرای حسین (ع) است. حضرت (ع) در جاهای متعددی خبر از شهادت خود و اصحاب با وفای خود می دهند؛ اما در طول حرکت حضرت (ع) از مدینه تا کربلا، حتی برای یک لحظه ذره ای از یأس و تردید در حضرت (ع) یافت نمی شود، بلکه بر عکس در تمام سخنان حضرت امید (ع) موج می زند

(ع) تدارک و آمادگی (ع) حضرت (ع) اگر چه خبر می دهد کربلا پایان حرکت کاروان است، اما کاروان حسین (ع) اگر چه با شهادتش اقدام امامت و وظیفه اش به (پیوستن کوفیان به اردوگاه امام حسین (ع) را دارد. حضرت عنوان یک مکلف به پایان می رسد، اما تدبیر و برنامه ریزی دقیقی برای امامت مسلمانان در کوفه دارد

پیوند آن علم و اعلام، با این امید، تدارک و تدبیر از شگفتی های ماجرای حسین (ع) است. بسا بتوان راز این پیوند و این شگفتی را در پرتو مطالب زیر فهم نمود

نخست آنکه امام (ع) با یک تجزیه و تحلیل، حتی به عنوان یک مکلف، هر دو سوی ماجرا را بررسی کردند و آثار و نتایج آن را پیش بینی نمودند؛ چه اینکه دو سوی ماجرا یا شهادت بود یا رسیدن به کوفه. در هر صورت نتیجه یکسان بود و آن حفظ اسلام و احیای حق الله

امام (ع) در حفظ دین و احیای حق الله و اعتلای کلمه الله، روزنگر و حال اندیش و مقطعی نگر نمی باشد؛ چه اینکه اندیشه ی تمام معصومین (علیهم السلام) درباره دین، اندیشه ی ابدی است. آنان بقای دین را تا روز قیامت می خواهند. لذا امام حسین (ع) می دانست که شهادتش و خونش در طولانی مدت اسلام ناب محمدی را حفظ می کند؛ لذا امام (ع) سوی شهادتش را به گونه ای طراحی و تدبیر نموده بود که زینب (سلام الله علیها) حسین دیگری بود؛ در حقیقت با کشته شدن (بعد از شهادتش بماند؛ زینبی که پس از شهادت امام حسین (ع) حسین (ع) اولین کسی که حسینی شد و حسینی عمل

کرد، زینب (سلام الله علیها) و این تدبیر زیبای امام حسین (ع) راز به همراه آوردن آل الله توسط امام (ع) بود. سوی دیگر حرکت حسین (ع) رسیدن به کوفه بود. امام (ع) بر اساس امامتش علومی دارد که دیگران ندارند. حضرت (ع) بر طبق علم امامتش خبر از شهادت خودداشت، در عین حال امام (ع) می داند که خداوند متعال (ع) بر علوم مخزونی دارد که حتی امام و پیامبر نیز نمی دانند؛ علمی که بدهاء را نیز در خود دارد. امام حسین اساس همین مخزون خداوند، احتمال رخ دادن بدهاء و به سلامت رسیدن خود به کوفه را می دادند بدون تردید رسیدن پای امام (ع) به کوفه، مساوی با عینیت یافتن امامت امام (ع) و پیروزی گسترده اسلام ناب بود؛ زیرا یزید هرگز پیچیدگی و مکر معاویه را نداشت و عمرو عاصی هم در کار نبود و در عین حالی که یزید بسیار جسور بود، بیش از جسارتش احمق بود. آمادگی مردم کوفه - که در آن روز مرکز اصلی قدرت نظامی در عالم اسلام بود - نیز بیش از هر زمان دیگر برای پذیرش امام معصوم از اهل بیت (علیهم السلام) آمادگی داشت؛ لذا امام (ع) بر این اساس، تدبیر و برنامه ای ویژه داشت

در واقع براساس علم امامت و شهادت ایشان (ع) پیروزی از آن امامت امام (ع) بود و اقدام حضرت (ع) در حفظ اسلام ناب در طولانی مدت ثمر می داد و بر اساس احتمال علم مخزون خداوند و بدهاء در اراده حق متعال، پیروزی از آن امام و امامت بود؛ لذا در حرکت امام حسین (ع) بین شهادت و اتمام تا کربلا و امید به رسیدن به شهر کوفه، تدبیر و برنامه ریزی مشاهده می شود

(تجلی شور و شعور حسینی در قیام حسین (ع))

شور قیام حسین (ع) یکی از . در قیام امام حسین (ع) شوری بی نهایت همراه با شعوری گسترده تر وجود دارد پدید آورد و برای مسلمانان به ارث گذاشت. این سرمایه (سرمایه های شیعه و هر شیعی است که آن حضرت (ع) مهم ترین ابزار در اختیار اسلام ناب محمدی تا قیام حضرت حجت(عج) است؛ اما شعور حسینی راه استفاده از این سرمایه و ابزار را نشان می دهد

شور حسینی امری ابدی و بی نهایت است و شعور حسینی با استخدام آن شور همه چیز را در مسیر اعتلای کلمه

الله و احیای حقوق الله و حقوق الرسول قرار می دهد.
: نماد شور حسینی (ع) این است

یا ابن النبی المصطفی
یا ابن الولی المرتضی

یا ابن البتول الزاکیه
تبکیت عینی لالأجل مثوبه
لکنما عینی لأجلک باکیه

: و نماد شعور حسینی این است

قد غیرالطعن منهم کل جارحه
الا المکارم فی أمن من الغیر

ضربه شمشیر بدن نازنین تمام شهدای دشت نینوا را مجروح و متلاشی کرد؛ اما راهی به عظمت و کرامت های
.روحی آنان پیدا نکرد

وانگهی خود از منی و آلودگی
شستشو کن شستشو کن شستشو

ای خدا این نهر جان را از هوس
رفت و رو کن، رفت و رو کن، رفت و رو

در قیام سیدالشهدا(ع)، شور در خدمت شعور و شور برآمده از شعور است. در عرفات یک دنیا شعور ابراز می شود
و در کربلا همان شعور خود را به شکل شور نشان می دهد و باز شور کربلا در همان معرکه شعور می آفریند و
در دل کربلا عرفات پدید می آید. مناجات ها و دعاهاى ابی عبدالله (ع) و گفتمان حضرت (ع) با اصحاب در
.آخرین لحظات وداع، حاکی از این شعور بود

(ع) با شور فراوان، شعور منحصر به فردی، به مفاهیمی مانند پیروزی، حیات و سعادت (در نهضت کربلای حسین
داده شد. این سه واژه به معنی حقیقی حق شعور یافت. حیات مرادف با مرگ با عزت و مرگ با عزت، مرادف
سعادت، و پیروزی مرادف با سعادت گردید و مرگ، حیات، سعادت و پیروزی در نهایت زیبایی در این عالم دیده
می شوند.

گریه، ظهور اولین مرحله امر به معروف و نهی از منکر ۶۰

افزون بر اینکه مهم ترین عنصر ماهیت چرایی نهضت امام حسین (ع) امر به معروف و نهی از منکر بود، گریه و ندبه بر حسین (ع) ظهور اولین مرحله ی نهی از منکر و امر به معروف این نهضت می باشد. انکار قلبی به عنوان اولین مرتبه نهی از منکر که واجب عینی است، (۱۳) با اشک و ندبه در وجود انسان آشکار می گردد؛ زیرا اشک و ندبه بر حسین (ع) از طرفی ریشه در تنفر قلبی از کفر، باطل، طاغوت و یزید دارد و از طرف دیگر برون ریز ع می باشد؛ لذا از سویی که نفس از کفر و باطل و اعمال زشت یزید (عشق و گرایش به خدا، حق و حسین متنفر و منفعل می شود، اشک، ظهور اولین مرحله نهی از منکر، و طرفی که نفس، تحت تأثیر عشق و گرایش به حق و حسین (ع) است، ظهور اولین مرتبه امر به معروف شکل می گیرد. البته این تحلیل حداقلی است، زیرا خود گریه و عزاداری را می توان در شمار مراحل دوم، بلکه سوم امر به معروف و نهی از منکر تلقی نمود و از آن جهت که خود گریه و عزاداری یکی از فضائل و بالاترین معروف هاست، خود، عمل به معروف می باشد؛ از همین رو، ائمه اطهار (علیهم السلام) به آن امر و توصیه می نمودند و آن را سیره ی خود قرار داده بودند تا آنجا که جزئی از سیره ی تمام اولیا و عرفای به حق، در طول تاریخ اسلام شده است.

:پی نوشتها

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز*

مقتل الحسین؛ ص ۱۳۳، ۱

همان؛ ص ۱۴۳، ۲

همان؛ ص ۱۳۸، ۳

همان؛ صص ۱۳۶ و ۱۴۰، ۴

سخنان امام حسین (ع)؛ ص ۱۶۵، ۵

همان؛ ص ۱۸۹، ۶

۷، همان؛ ص ۲۳۲،

هود؛ ۸، ۸۸

اعراف : ۶۸، ۹

آل عمران؛ ۱۰۴، ۱۰

آل عمران؛ ۱۱۰، ۱۱

هود؛ ۷۸، ۱۲

شرایع؛ ج ۱، ص ۳۴۳ و جواهر؛ ج ۲۱، ص ۳۵۳، ۱۳

منابع

[ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشید الدین؛ المناقب الاثمه؛ قم : مطبعه العلمیه، ابی تا ۱۰

٢. [ابن طاووس، على بن موسى بن جعفر بن محمد؛ اللهوف في قتلى الطفوف؛ قم: انوارالهدى، إبي تا ٢،
ابن عساكر، ابي القاسم على بن الحسين (١٤١٤ق)؛ ريحانه رسول الله الحسين (ع)؛ قم : مجمع احياء الثقافه ٣،
[الاسلاميه، إبي تا
٤. ابن قولويه، ابوالقاسم جعفر بن محمد؛ كامل الزيارات؛ تحقيق جواد قيومي؛ قم : الفقيه، ١٤١٧ ق ٤،
ابن كثير ابوالفداء، اسماعيل؛ البدايه و النهايه؛ بيروت : دارالكتب العلميه، ١٤٠٧ق ٥،
[إربلي، ابن أبي الفتح؛ كشف الغمه؛ بيروت : دارالأضواء، إبي تا ٦،
بحراني، عبدالله؛ العوالم الامام الحسين (ع)؛ قم: مدرسه الامام مهدي؛ ١٤٠٧ق ٧،
حر عاملي، محمد بن الحسن؛ وسائل الشيعه؛ بيروت: دارالاحياء التراث العربي، ١٣٩١ق ٨،
حلي (محقق)، ابوالقاسم جعفر بن محمد؛ شرايع الاسلام؛ بيروت: دارالاضواء، ١٤٠٣ ق ٩،
خوارزمي، موفق بن احمد؛ مقتل الحسين؛ قم: مكتبه المفيد، ١٣٦٧ ق ١٠،
قرشي، باقر شريف؛ حياه الامام الحسين؛ نجف : مطبعه الآداب، ١٣٩٤ ق ١١،
[قمي، شيخ عباس؛ مفاتيح الجنان؛ تهران : اسوه، إبي تا ١٢،
مجلسي، محمد باقر؛ بحارالانوار؛ بيروت : دارالاحياء التراث العربي، ١٤٠٣، ١٣،
مفيد، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان ؛ المزار؛ تحقيق سيد محمد باقر ابطحي؛ بيروت : دارالمفيد ١٤،
للطباعه و النشر، ١٤١٤ق
١٥. مكرم، عبدالرزاق الموسوي؛ مقتل الحسين؛ بيروت : دارالكتاب الإسلامي، ١٣٩٩ق ١٥،
نجفي، محمد حسين؛ جواهر الكلام؛ ج٦، تهران : دارالكتب الاسلامي، ١٤٠٠ ق ١٦،
نشره كنگره امام حسين(ع) و مقاومت، جلد ١،